

کوچک و بزرگ ایران از جمله تهران، مشهد، شیراز، سنندج، زاهدان، همدان، قزوین، زنجان، کرمان، اندیمشک، کرمانشاه، میوان، اهواز و ... بودند. در این روز دهها هزار معلم در دفاع از معیشت خود در اعتراضی سراسری در مقابل استانداری ها و اداره آموزش و پرورش شرکت کردند و توجه جامعه را به خود جلب کردند. این تجمعات که طی فراخوانی "از طرف فرهنگیان کل کشور" اعلام شده بود و به اسم "تجمع سکوت" نام گذاشته بودند، یکی از اعتراضات وسیع معلمان در طی چند سال گذشته بوده است. ... صفحه ۲



سال وحشت از اشباح!

سازنده با جهان" را یادآوری میکنند. از سوی دیگر، آمریکا هم پا درازی بیش از حد ایران از گلیمش در منطقه و ایجاد دردسر با عربستان را نشان اش میدهد. هم برای پر کردن شکافها و روتوش کردن روابط به همدیگر چشمک میزنند و هم برای یکدیگر مرز تعیین میکنند. انصافا اما جمهوری اسلامی به نسبت حتی یک دهه پیش خود، خیلی تغییر کرده است. روحانی در تور چند روزه اش به گیلان گفته بود که "شما خودتان می دانید تمام شرکت های اروپایی و آمریکایی در انتظار توافق نهایی هستند، چون این توافق به نفع جهان و همه ملت ها خواهد بود". ... صفحه ۳



باز هم تراژدی در آبهای مدیترانه!

یکباره از روی زمین هفت صد نفر محو شدند. تنها در عرض کمتر از چهار ماه اول سال میلادی، نزدیک به ۱۵۰۰ نفر در مدیترانه غرق شده اند. ارقام اعلام شده، البته تنها حدس و گمان پناهندگانی است که از این سفر پر مخاطره جان سالم بدر برده اند و کسی از تعداد واقعی خبر ندارد. ... صفحه ۴

اعتراض معلمان، اعتراضی به وسعت جامعه

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

صبح پنجشنبه ۲۷ فروردین مردم شاهد تجمع وسیع معلمان در دهها شهر

فواد عبداللہی

کشمکش های دو طرف "توافقات" لوزان کماکان ادامه دارد. هر کدام دیگری را به "تعامل" و "تسامح" فرا میخوانند. هر کدام دیگری را به کنار گذاشتن "منافع" و تکیه بر "مصلح جامعه جهانی" دعوت می کند. هر دو متفق القول اند که این "توافقات" برنده ای نداشت. هر دو در بی افقی و سرایشی در حال کلنجار رفتن با یکدیگرند. از یک طرف، روحانی قدرت و ابعاد "نرمش قهرمانانه" ولایت فقیه را هر روز نشان طرف مقابل میدهد؛ "پایان دوران افراطی گری"، و "راه تعامل

امان کفا

بار دیگر یک کشتی در آبهای مدیترانه، غرق شد. هنوز نیروهای نجات و دیدبان های متعدد نتوانسته اند تمامی جسد هایی که بدنبال زندگی بهتر از خانه و کاشانه خود بسوی اروپا روانه شده بودند را پیدا کنند. بی نام و نشان،

حکمتیست ۵۹

۲۰ آوریل ۲۰۱۵ - ۳۱ فروردین ۱۳۹۴
دوشنبه ها منتشر میشود

زنده باد اول مه روز اتحاد جهانی کارگران



روز اول مه را به روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، به روز اعتراض علیه استثمار، بردگی مزدی، بیکاری و تبعیض، به روز اتحاد علیه بورژوازی و دولت های رنگارنگ آن در جهان تبدیل کنیم. چرخ های تولید را بخوابانیم و یکصدا اعلام کنیم:

مرگ بر سرمایه داری

زنده باد آزادی، رفاه، برابری

مرگ بر تبعیض و نابرابری

زنده باد آزادی تجمع، تشکل و اعتصاب

کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد اول مه

روز اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر

آزادی برابری حکومت کارگری

اعتراض معلمان ...

معلمان خواست و مطالبه خود را علاوه بر اعلام قبلی آن، بر پلاکارتهایی که در این تجمعات در دست داشتند بیان کرده اند.

در پلاکارتهای آنها از جمله آمده است: "درد فقر نیست فرق است"، "نان مسکن منزلت"، "طرح رتبه بندی فریبی بیش نیست"، "انتقاد ممنوع اختلاس آزاد"، "آقای روحانی کلید آموزش و پرورش پیدا نشد؟"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "احکام قضایی ملغا باید گردد"، "سکوت ما بلندتر از فریاد است"، "معلم بیدار است از تبعیض بیزار است" و ...

این چندمین تجمع و اعتراض معلمان در اعتراض به تبعیض و بی حقوقی، برای افزایش دستمزدهای خود، استخدام رسمی شدن معلمان حق التدریسی، بهبود شرایط تدریس، امنیت شغلی، آزادی بیان و ... است که تا کنون از جانب دولت حاکم جز یکسری وعده های سرخرمن و امروز و فردا کردن جوابی نگرفته است.

مطالبات معلمان خواست بخش اعظم جامعه و مبارزات آنها بخشی از مبارزات طبقه کارگر است. اعتراض به تبعیض و نابرابری، اعتراض به عدم امنیت شغلی، خواست افزایش حقوقها و آزادیهای سیاسی و ... امروز مطالبه کل طبقه کارگر ایران است و معلمان بخشی از این طبقه اند.

پیروزی معلمان در اعتراضات خود برای کل طبقه کارگر ایران، برای بخش محروم جامعه حیاتی است. دفاع از مبارزات آنها و تلاش برای موفقیت آنها، علاوه بر اینکه

وظیفه کل صف آزادیخواهی است، گامی مهم در پیشروی کل طبقه کارگر ایران و کل صف عدالتخواهی در آن جامعه است. اما تجربه نشان داده که هر گونه انتظار و اعتماد به نمایندگان دولت و قول قرارهای آنها، هر گونه امید به مجلس نشینان و بانیان موقعیتی که از جمله به معلمان تحمیل کرده اند، نتیجه ای جز شکست اعتراضات آنها را در بر نخواهد گرفت. نمیتوان از سیستم و حاکمیتی که در یک نقشه آگاهانه و با اتکا به همه امکانات خود تلاش میکند با تحمیل فقر و محرومیت به طبقه کارگر، به معلمان و اقشار پائینی جامعه سوده های نجومی را برای سرمایه داران جلب کند و در خدمت به آنها از هر اجحافات علییه اکثریت مردم دریغ نخواهد کرد، چشمداشت عدالت یا رفاه داشت.

امید به بالایی ها و فریب وعده های آنها را خودرن، تن دادن به سیاست انتظاری است که دولت ایران در مقابل هر حق طلبی از جانب طبقه کارگر و اقشار ناراضی دنبال میکند. نباید فریب دولت روحانی را

خورد که با وعده های رشد اقتصادی و جلب سرمایه های خارجی و برداشتن تحریمها بعد از توافقات با غرب، قول بهبود زندگی ما را میدهد. اینها جز فریب برای پس زدن اعتراض بر حق ما، جز تمکین کردن ما و ابزاری برای ساکت کردن ما نیستند. کل پروژه های دولت روحانی و از جمله رشد اقتصادی در این جامعه قرار است به قیمت تباهی ما و تعرض به معیشت کل طبقه کارگر و معلمان و نیروی کارکن جامعه تامین شود.

معلمان با همه اعتراضات وسیع این دوره خود هنوز بخش وسیعی از نیروی خود را به میدان نیاورده اند. میلیونها دانش آموز در مدارس و دانشگاهها، میلیونها نفر از خانواده های آنها، مدافعان واقعی معلمان هستند. نیرویی که میتواند دولت جناب روحانی را به التماس وا دارد و افسار زند؛ نه حاکمین و مجلس نشینان بلکه صف میلیونی انسانهای شریفی که برای موفقیت معلمان روز شماری میکنند، خود را مدافع آنها میدانند و مبارزات آنها را بخشی از مبارزه خود و

موفقیت معلمان را موفقیت خود میدانند، نیروی واقعی به پیروزی رساندن مبارزات معلمان اند.

آنچه پیروزی اعتراض معلمان، پرستاران، اعتراضات هر روزه و پراکنده دهها مرکز کارگری را تضمین میکند و آنچه میتواند تعرض افسار گسیخته بورژوازی ایران و دولت اعتدالش را افسار زند، همبستگی و هماهنگی ما در همین مبارزات و با اتکا به نیروی وسیع خود مان است. تامین این همبستگی و اتحاد میان کارگر و معلم و پرستار و بقیه زحمتکشان جامعه، بر دوش فعالین و رهبران هوشیار، بر دوش کمونیستهای با نفوذ و معتبر در همین مبارزات است. کسانی که لولای اتحاد در طبقه کارگر و لولای اتحاد در هر مبارزه آزادیخواهانه اند.

حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست (خط رسمی)

۲۷ فروردین ۱۳۹۴
۱۶ آوریل ۲۰۱۵



مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

اعدام هم جواب دهد، اما اقتصاد ایران را آنهم در دنیایی با مشخصات سرمایه داری امروز، با بی افقی و بی الگویی سرمایه داری بین المللی، نجات نخواهد داد، بلکه همچنان در تکاپوی بقای خود امروز را به فردا می سپارد.

اما جامعه بسرعت از این تصورات و توهمات عبور خواهد کرد. امید واقعی، توهم به انتظار صدور سرمایه از غرب نیست که از صبح تا عصر، با حرکات فک و صورت روحانی و ظریف و بهنود، بالا و پایین برود.

اینبار ورق بسمت تلاطم های طبقاتی مهمی علیه بورژوازی ایران و دولت اش بر خواهد گشت. طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه باید از الان فکری بحال تحزب و تشکل کمونیستی خود و دخالت مستقل در امر سیاست بکنند؛ کمونیست ها باید تضمین کنند که امید اکثریت جامعه ایران جایی ست که طبقه کارگر، و آرمان مساوات طلبی هست. جایی که شیخ کمونیسم و وحشت بورژوازی هست؛ همانجایی که مقاومت و زمزمه های انقلاب کارگری هست.

غرب و آمریکا است، اما مشکل سرمایه داری ایران، سهم خواهی در جدال با بورژوازی عرب و یک پای سازماندهی و دامن زدن به انواع باندهای شبه مذهبی و قومی است.

این جمهوری علیرغم پزها و ایماژهای "متمدن" و "خوشحیمی" که امروز به خود گرفته، اما کماکان بخشی جدی از سناریوی نا امن کردن منطقه باقی خواهد ماند. معضل جمهوری اسلامی کماکان سیاسی و منطقه ای است و در نتیجه خام اندیشی است کسی فکر کند که سرمایه به مکانی که خود منجلاب تسویه حساب ارتجاع بین المللی و محلی است، جایی که بورژوازی محلی دست بر ماشه علیه هم آماده شلیک اند، صادر خواهد شد. خاورمیانه اسلامزده، کانون بحران امنیت سرمایه جهانی، محل جدال ها و صف بندی های خونین قطب های امپریالیستی سرمایه و جایی است که هنوز مسله فلسطین دارد.

بورژوازی ایران پشت لبخندهای هاج و واج دولت اعتدال، حتی اگر اسلامیت رژیم را هم تا انتها رقیق کرده باشد، حتی اگر دستمزد کارگر را به صفر هم برساند و اعتصاب را با

فقیه را به سمت "مدرنیزاسیون" اقتصاد به حمد و قوه صدور سرمایه از طرف "جامعه جهانی" سیخ کرده است. مهم نیست آن یکی در خارج است این یکی در داخل؛ دوست و همفکر همان کسی است که "وجود" دارد، حتی اگر "حضور" نداشته باشد. مهم اینست که دولت اعتدال، مکانیسم و مجرای مادی این دوستی ها، آشتی ها، و رفع کدورت های تاریخی و اتحاد بخش اعظم بورژوازی ایران است.

اما این تمام ماجرا نیست. این بورژوازی هیچ شباهتی به بورژوازی کشورهای چون کره جنوبی و مالزی و بنگلادش و برزیل که مطیع و سربه زیر تام و تمام دستورات غرب اند، ندارد. بورژوازی ایران (با عمامه و بی عمامه)، تاریخا در حین گرایش به سمت غرب و آمریکا اما قلدر هم بوده است. اقتدارگرا و دولت گرا و عظمت طلب بوده و امروز نیز کماکان خواهان ادامه اعمال امپراتوری های گذشته در منطقه بر متن معادلات جهانی روز است.

به این اعتبار، بعد اقتصادی پلاتفرم روحانی که ادامه دهنده خط اقتصادی همه دولت های قبلی است هر چند مورد توافق

"این دولت و ملت انعطاف پذیر است و همانطور که رهبر انقلاب از آن به عنوان نمش قهرمانانه یاد کرد، مسیر ما، مسیر اعتدال، تعامل، گفتگو، منطق و به کرسی نشاندن حق مسلم ملت ایران خواهد بود..." این واقعیت که جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی راهی جز پیوستن به کلوپ "جهان متمدن" از کانال دولت اعتدال روحانی ندارد، حتی توسط کله گنده های رژیم، سپاه و برنامه ریزان ریز و درشت دولت اعتدال، انکار نمی شود. مبادلات اقتصادی با روسیه در حوزه صدور گاز و نفت و مواد غذایی به ایران و ایجاد نیروگاه برق و راه آهن، کفاف و جواب نیاز سرمایه در ایران و توسعه اقتصادی آن نیست. مدیریت بازار کماکان در دست غرب است. نمش های سیاسی - صبحگاهی خامنه ای در این زمینه، از خوشحالی رعشه به اندام تمام روزنامه ها و رسانه های بورژوایی انداخته است. موهایی تن امثال حجاریان ها، نگهدارها، بهنودها، زیباکلام ها، گنجی ها، عبادی ها و خیل دوستان گرمابه گلستان ولایت

Internatinal Workers' Day

1. May

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

WE STILL NEED TO CHANGE THE WORLD !

باز هم تراژدی ...

دلایل و پاسخ ها به اندازه کافی گویا هستند. در یکی از کشتی ها، بدنبال نزع های موجود، تعدادی از مسلمانان، جمعی از مسیحیان را در طی سفر به دریا پرت کرده اند. بر همین اساس، یک سری از فاشیست ها و احزابشان، از فرصت استفاده کرده و به تبلیغات راسیستی خود پرداختند و ایراد را در خود این مردم معرفی کردند و ابزار داشتند که اگر این جمعیت امکان ورود به اروپا را پیدا کنند، اروپا خود به مرکز کشمکش جریانات "تروریست" بدل خواهد شد. و اینها درجا حامی سیاست های ضد پناهندگی دولت های اروپایی شده اند. حقیقت اینست که همین سیاست بود که سال گذشته توسط اتحادیه اروپا به اجرا در آمد و به حذف نیرویهای نجات در دریا و دیدبانها انجامید. ابعاد این تراژدی آنقدر وسیع است که حتی راست ترین نمایندگان سرمایه و دولت هایشان نمی توانند آنرا سرپوشی کنند. هر کدام دیگری را مقصر اعلام می کند. برخی ایراد را در دیر رسیدن نیروهای نجات در دریا می دانند و اتحادیه اروپا و سیاست سال گذشته اش در حذف دیدبان های نجات را مشکل اصلی معرفی می کنند. چپ تر ها، سیاست های اخیر دول اروپا را باعث این تراژدی دانستند. البته شکی نیست که جنگ در لیبی و یا ادامه جنگ در سوریه، وجود نیروها و دستجات تروریستی و افراطی، همگی بر ابعاد این فرار افزوده اند. این امری است که حتی میدیای سرمایه نمی تواند کتمان کند و خواهان کمک رسانی دیگر کشورهای اروپا شدند. اعلام کمک های مالی و غیر انتفاعی دولت آلمان، که بمثابة "کمکهای انسان دوستانه"

معرفی شده اند، بر همین اساس است، چه بسا که این بار فرانسه و انگلیس به دلیل نقش شان در جنگ لیبی، به نسبت بیشتری از آلمان و ایتالیا، با فشار بیشتری برای کمک رسانی مواجه هستند. برخی خواهان دخالت بیشتر دولت های مصر و مالتا برای نجات پناهندگان در دریا شدند، و برخی خواهان دستگیری دلانان هستند. اما آنچه که کماکان در این میان مسکوت گذاشته میشود همان دلیلی است که از ابتدا باعث و بانی فرار این موج وسیع مردم است. جنگ، نابودی و فقر و ناامیدی میلیون ها انسانی که بنا به سیاست های سرمایه و دولت های ریز و درشت آن، در کل شمال آفریقا با آن دست و پنجه نرم می کنند، کاملاً فراموش شده است. شرایطی که این انسانها از آن فرار می کنند آنقدر طاققت فرساست که حاضرند ریسک مرگ را قبول کنند و از هر فرصتی برای راه یابی به حداقل زندگی استفاده کنند. هر اندازه سخت گیری های بیشتر، و عدم پذیرش و قبولی پناهندگی درخواست کنندگان را افزایش دهند، باز در جلوگیری از این فرار بیهوده است و تنها بازار دلانان را گرم تر می کند. امروز دیگر نمی توان تنها با بازبینی سیاست پناهندگی و پناهندگی پذیری جلوی بروز این چنین تراژدی هایی را گرفت. ارجاع به پایان جنگ سرد، و بی ربط شدن امر پناهندگی بطور سراسری و بین المللی، دیگر امروز بیانگر راه حل نیست. از بین رفتن جمعیت های مردم به این شکل، بیش از همیشه، یادآور دورانی است که کشتی های حامل برده ها در دریا غرق میشدند. به همان ترتیب، امروز نیز نمی توان از طریق مجازات صاحبان کشتی ها که بدنبال درآمد

بیشتر، همچون خط تولید به حمل انسان ها نگاه می کنند، و یا با مجازات دلانان به پاسخ مناسبی رسید. امروز دیگر باید به مجازات دولت ها و سران آنها نگریست که سیاست هایشان و حکومتهای ایشان باعث و بانی این فجایع است. امروز بیش از هر زمان دیگری باید به زندگی بخش وسیعی از مردم دنیا نگریست که از پایه ای ترین شرایط زندگی برای یک انسان قرن ۲۱ محروم هستند. این مردم به دنبال کار، به دنبال تحصیل، بدنبال خانه و مسکن، به دنبال امکان دست یابی به حداقل امنیت جانی، دست به فرار می زنند. راه حل این مشکل میلیونی و این مشکل اجتماعی را باید در پاسخ هایی به همان اندازه بزرگ و اجتماعی جستجو کرد. پاسخ نیازهای واقعی و انسانی مردم شمال آفریقا، در واقع در حل همان دلایل فرارشان است. اگر مهاجرت وسیع از کشورهای تحت سلطه امپریالیسم به کشورهای متروپل، بخشی از دم و بازدم این رابطه بورژوا امپریالیستی است، هر گونه محدودتر کردن آن مهاجرت، امکان گسترش این فجایع را بیشتر می کند. خواست فرار بطوری کاملاً ارگانیک با شرایط زندگی و عدم امید مردم به آینده ای بهتر در این کشورها، مرتبط است. برای پایان دادن به این نوع تراژدی ها، بایستی همان زنجیر دست و پا گیر سرمایه داری را در هم شکست. در واقع، هدف جنگ در لیبی، هدف جنگ در سوریه، هدف رشد و اشاعه تمامی دستجات تروریستی در کل این منطقه، تنها و تنها برای دامن زدن به همان بی امید، دامن زدن به ناامنی، و دامن زدن به هر گونه امکان فراغت کارگر و مردم زحمتکش این منطقه از یوغ سرمایه بود. به همین دلیل

نیز، پاسخ مناسب برای جلوگیری از این نوع تراژدی ها را بایستی در پایین کشیدن حکومت سرمایه یافت. اگر کارگر در این کشورها و در اروپا، از همین زاویه به این تراژدی ها نگاه نکند و اگر مستقیماً و بلاواسطه برای شکستن زنجیرها اقدام نکند، اگر کماکان دنبال دولت های موجود و سیاست مدارانش بماند، کم کم این غرق شدن ها هم عادی شده و از خاطره ها محو می شود.

حکمت هستی را بنخوانید و آن را بشنوید
پخش کنید
حکمت را بدست کارگران برسانید!

رادو نینا

Radio Neena

رادو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat
HOTBIRD 13A 13°
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate: 27599
Audio PID: 2130

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تماس با حزب